

عنوان مقاله : عوامل و آثار خشونت زنان علیه شوهران

گردآورنده : خدیجه الازمینی

سمت : استاد راهنما

مدرسه علمیه شهیده بنت الهدی

علی آباد کتول – استان گلستان

چکیده:

هدف از نگارش این مقاله مشخص نمودن عوامل و آثار خشونت زنان علیه شوهران می باشد. برای دست یابی به هدف فوق، منابع موجود را مطالعه و با استفاده از روش اسنادی متناسب با سوال و هدف مقاله مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. خشونت زنان علیه شوهران یکی از معضلات خانواده است که در فروپاشی و برهم زدن آرامش خانواده نقش بسیار مهمی دارد. زنانی که علیه شوهران خود به طور کلامی، رفتاری و حتی فیزیکی از خشونت و پرخاشگری استفاده می کنند ممکن است کسانی باشند که خود مورد اذیت در محیط های زندگی خود شده و یا به علت کم کاری و ظایف و نقش شوهران خود به این امر دست می زنند. در آیات و روایات بسیاری همسران دعوت به مودت و رحمت در کنار یکدیگر شده اند و استحکام و بقای خانواده و هدف ازدواج رسیدن به تکامل و آرامش زوج ها در کنار یکدیگر می باشد، حال اگر خانواده ای دچار خشونت از قبل مرد یا زن شود دیگر جایی برای این ملکیت و تکامل نخواهد بود از یافته های این مقاله می توان به آثار خشونت در خانواده که باعث نابود شدن اعمال، و برهم زدن آرامش خانواده و دچار شدن به عذاب الهی می شود، می توان اشاره کرد و عوامل خشونت می تواند: برآورده شدن نیاز های عاطفی، جنسی، مالی زنان توسط شوهران شان باشد.

کلید واژگان: خشونت- خانواده- فمینیست- نیاز های عاطفی- نیاز های جنسی

فهرست مطالب

۳	مقدمه
۴	مفهوم خشونت
۵	نظریه های کلان درباره پدیده ی خشونت گری انسان
۵	الف - نظریه های نظارت اجتماعی
۵	ب- نظریه های کارکردگرایی
۵	ج- نظریه فرهنگی
۵	د- نظریه فمینیستی
۶	دیدگاه اسلامی درباره خشونت
۸	عوامل خشونت زنان علیه شوهران خود
۸	۱- احترام نگذاشتن به حقوق زن در خانه
۹	۲- نقش جنسی شوهر
۱۰	۳- تامین نکردن هزینه های مالی زن
۱۰	۴- رعایت نکردن اراده و اختیار زن
۱۱	راهنماهای کاهش خشونت از دیدگاه اسلام
۱۲	نتیجه گیری
۱۳	منابع

اسلام، پایه اجتماع بشری را ازدواج و تشکیل خانواده می داند و آغاز بروز قابلیت ها و ارتقاء توانایی ها را از آنجا رصد می کند و زن را اساس این اجتماع کوچک اما مهم می پندارد و او را منبع مودت، صفا و صمیمیت شناخته و با جمیع سرمایه های ذاتی و الهی اش او را به سمت تعالی و تحکیم این کانون آسمانی هدایت می کند. دین مبین اسلام، زن را پایه ی اصلی شکل گیری یک خانواده سالم دانسته و نقش وی را در حفظ سلامت روان بقیه افراد خانواده، انکار ناپذیر می داند و نقش مادری و همسری را از هر عامل سازنده ای، سازنده تر و با ارزش تر تلقی می نماید و در عین حال حضور آگاهانه و توانمند او در محیط خانواده را از عوامل سلامت جامعه معرفی می کند. بنابراین زن موظف است که با انجام وظیفه همسری و مادری، کانون خانواده را با هوشمندی و زیرکی خود به باغی مصفا با ابزار مودت و رحمت تبدیل نماید و از باب محبت، شرح صدر و دریا دلی، شوهر و فرزندان را در مسیر آموزه های دینی یاری نماید. اما می بینیم این باغ مصفا به جهنمی تبدیل می شود و کانون گرم خانواده به محیطی سرد و ناهنجار تبدیل می گردد و در نتیجه به فرار فرزندان و شوهر و گاهی به فروپاشی خانواده می انجامد. زنی که در خانواده علیه شوهر خشونت به خرج می دهد در حد مطلوب قادر به ایجاد مودت و صمیمیت در خانواده نشده زیرا این زن دیگر محل آرامش و آسایش جسم و روان همسرش نمی باشد و زمانی که شوهر قصد بازگشت به منزل را دارد از ترس ناامنی، زبانی، رفتاری، همسرش راضی به برگشت منزل نخواهد بود. امروزه با توجه به ناهنجاری های اجتماعی بین افراد، این مسأله قابل رؤیت است که اساس خانواده دچار مشکل شده که طلاق، بزهکاری، فساد، جرم و جنایت در جامعه به چشم می خورد، از طرفی نظریه پردازان غربی به کرسی دفاع از حقوق زن، هر روز یک مسأله را ایراد کرده و زنان را به بهانه های مختلف هدف خواسته های خود می نمایند و در بازار بهره کشی از زن، از حقوق انسان دفاع می کنند. در این زمینه تحقیقات و مقالات فراوانی نوشته شده و کتب ارزنده ای به بازار فروش رسیده اما در این مقاله سعی شده به تعریف خشونت و تبیین آن و دیدگاه اسلام درباره خشونت زنان علیه شوهران خود پرداخته شود.

مفهوم خشونت

خشونت در همه ی اشکال بدنی، روانی، پیدا و پنهان؛ آن رفتاری نادرست است که ممکن است از هر کسی سر بزند. خشونت را می توان این گونه تعریف کرد:

الف) خشونت، رفتاری با قصد و نیت آشکار (یا رفتاری با قصد و نیت پنهان، اما قابل درک) برای وارد کردن آسیب فیزیکی به دیگری است.

ب) خشونت به معنای اشکال افراطی، رفتار پرخاشگرانه است که احتمالاً موجب آسیب های مشخصی به قربانی شود.^۱

ج) عمل فرد معین (جمعی از افراد یا گروهی خاص) است که به جان یا مال یا شرف دیگران تعرض و حمله می کند.^۲

در اصطلاح می توان گفت؛ خشونت هرگونه رفتار خلاف شرع و منافی با اخلاق را می گویند که گاهی از طرف مرد یا زن و یا گاهی فرزند علیه پدر و مادر به چشم می خورد و در اجتماع نیز بین فرد یا افرادی این اتفاق گاهی دیده می شود. به طور قطع خشونت های بدنی اشکال بسیار بدی از خشونت اند، اما برخی خشونت های روانی آثار دراز مدتی بر فرد می گذارند و همواره موقعیت گروه های ضعیف تر مانند زنان، کودکان، و سالخورده گان در این زمینه اسفبارتر است. باید گفت در خانواده، والدین در عین لزوم خوش رفتاری، حق تأدیب و تربیت فرزندان را دارند و شوهران نیز ضمن پرهیز از خشونت و اجرای معاشرت نیکو، حقوقی بر عهده ی زنان خود دارند. ممکن است در این تعامل ها گاهی یکی از طرفین در اعمال خواسته ی خود همه ی موازین اخلاقی را به کار بندد، اما این مسأله همواره به معنای خشونت گری نیست. به عبارت روشن تر، در یک زندگی معمولی گاهی زن یا شوهر عصبانی به یکدیگر پرخاش می کنند، در این حالت نمی توان بی درنگ آن ها را به خشونت گری متهم کرد؛ اگرچه هردو وظیفه دارند خشم خود را فرو خورند و عصبانیت شان را کنترل کنند. بنابراین به نظر می رسد خشونت در تعریفی پذیرفته، رفتاری است که دربردارنده ی آسیب های بدنی یا روانی یا هر دو است که به ناروا در حق کسی اعمال می شود.

(۱) شهلا اعزازی، زنان کتک خورده، ص ۲۴-۲۵
(۲) محمد رضا سالاری فر، خشونت خانگی علیه زنان، ص ۹۶

بنابراین رفتار خشونت آمیز می تواند قوی یا فعلی باشد؛^۱ در اندیشه اسلامی بدترین ستم، ستم به ضعیف شمرده شده؛ آنجا که امام علی(علیه السلام): " ظَلُمُ الضَّعِيفِ أَفْحَشُ الظُّلْمُ؛ زشت ترین ظلم، ستم بر ضعیف است"^۲ و اخلاق برتر را چشم پوشی از انتقام در عین داشتن قدرت " أَلْعَفُو عِنْدَ الْقُدْرَةِ"^۳ معرفی کرده است.

نظریه های کلان درباره ی پدیده ی خشونت گری انسان:

الف) نظریه های نظارت اجتماعی: افراد برای رسیدن به هدف با استفاده از زور و قدرت تمایل دارند. نظارت اجتماعی در حوزه ی اجتماع به مثابه ی مانعی سر این اقتدار و خشونت قرار می گیرد. اما در خانواده که حریمی خصوصی است، چون نظارت اجتماعی وجود ندارد ، خشونت ایجاد می شود.

ب) نظریه های کارکرد گرایی: این نظریه خشونت را توجیه می کند. بر مبنای این نظریه برخی اعضای خانواده برای حفظ کارکرد و تأثیر خود در خانواده و رفع پاره ای تضاد ها، از خشونت استفاده می کنند. شوهر در قبال زن، پدر یا مادر در قبال فرزندان و فرزندان بزرگتر در قبال کوچکترها ممکن است از خشونت برای حفظ کارکرد خود سود ببرند.

ج) نظریه فرهنگی: گاهی فرهنگ و هنجارهای یک جامعه با خشونت هماهنگ است؛ مثل جامعه ای که با اعمال خشونت برای بقای نظم در جامعه موافق باشد؛ نظیر تجویز اعمال خشونت مردان در قبال همسران.

د) نظریه فمینیستی: در این نظریه، ساختار های اقتداری مانند پدر سالاری علت اصلی پیدایش خشونت معرفی می شود. در این تحلیل ها، اقتدار عنصر اساسی است که مرد برای پیش بردن امیال خود و نادیده گرفتن امیال زن از آن ها استفاده می کند. در این تحلیل، خانواده نهاد مرکزی پدر سالاری معرفی می شود.^۴

۱) فریبا elasوند، زن در اسلام ج ۲، ص ۱۹۹ تا ۲۰۱

۲) نهج البلاغه، نامه ۳۱

۳) همان

۴) برای شناخت مفصل تر این نظریه ها ر.ک. حسین بستان، اسلام و جامعه شناسی خانواده، ص ۱۶۴-۱۶۰

حالی که قرآن کریم اشاره دارد به این که؛ "وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ و از نشانه های خدا آن است که از جنس خودتان برای تان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید" ^۱ که این آرامش روحی و روانی هم برای زنان و هم شامل مردان می شود.

(۲) نقش جنسی شوهر

نقش جنسی شوهر در قبال زن را می توان به دو بخش وظایف الزامی و ترجیحات بررسی کرد.

در بخش وظایف الزامی می توان به سه دسته از شواهد استناد کرد که بر وظیفه ی جنسی شوهر در قبال زن دلالت دارند . دسته ی نخست، گزاره هایی هستند که در آن ها حق جنسی زنان، اجمالاً و بدون بیان تفصیلی حدود آن تأیید شده است. طبق روایات آن دسته از زنانی که محروم از ارضای جنسی هستند به دلیل ناتوانی یا خودداری شوهر اوست و این دادخواهی رسیدگی می شود.^۲

دسته دوم: روایاتی که دال بر این است که شوهر نباید بدون عذر شرعی، ارتباط جنسی با همسرش را بیش از چهار ماه ترک کند.^۳

دسته سوم: شامل آیات و روایاتی است که بر قواعدی کلی درباره ی وظایف شوهر در قبال همسرش دلالت دارد که قهراً وظایف جنسی را نیز در بر می گیرد. از مهم ترین این قواعد می توان به قاعده نفی ضرر،^۴ قاعده نفی حرج،^۵ و قاعده معاشرت به معروف^۶ اشاره کرد.

با توجه به این آیات و روایات اگر زنی دچار حرج و ضرر شود و مردش به درخواست نیاز جنسی او توجهی نکند، این زن دچار شکست عاطفی شده و اختلال در اعصاب و روان و حتی جسم او ایجاد می شود و آثار خشونت در رفتار و کلام او هویدا شده و بی توجهی به نیاز جنسی او عامل بزرگی برای خسارت بعدی او بوجود آورد.

(۱) سوره روم، آیه ۲۱

(۲) حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴، ۱۶، ۷۶

(۳) همان، ج ۱۵، ص ۴۵۲، ۵۳۵، ۵۳۶

(۴) همان، ص ۳۴۰، ۳۴۲

(۵) سوره حج، آیه ۷۸

(۶) سوره نساء، آیه ۱۹

(۳) تأمین نکردن هزینه های مالی زن

یکی از اموری که در شکل گیری و تداوم پیوند خانوادگی نقش اساسی دارد، برخورداری خانواده از حد متعارف تمکن مالی به عنوان پایه اقتصادی خانواده است. این نکته در دیدگاه اسلام، هم در سطح راهکارهای درونی تحکیم خانواده و هم در سطح راهکارهای بیرونی آن مورد توجه قرار گرفته است. اسلام وجوب نفقه زن بر شوهر را لازم می داند، همچنین در احادیثی داریم که ارزش تلاش برای کسب روزی حلال برای زن و فرزند را، جهاد در راه خدا به حساب می آید.^۱ از جمله سخن امام صادق (علیه السلام) است که می فرمایند: "الکاذب علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله".^۲

در بعضی خانواده ها مسئله تأمین نشدن مالی همسران باعث خسارت زیادی به خانواده خواهد شد از جمله؛ وقتی بی حیایی بعضی زنان را مورد تحقیق قرار می دهیم می بینیم که در خانه، همسران شان توجهی به آنان ندارند و از طرفی مرد این مسئله را بیان می دارد که تو (زن) به خودت نمی رسی، و حال این که مرد هیچ وجهی را برای هزینه آراستگی و لباس زن به او نمی دهد و در خارج از منزل خود را سرگرم زنان فاسد و رنگ و لعاب دار می کند، و زن بخاطر جلب رضایت شوهر و خودنمایی، خود را به شکل زنان خودباخته و بدحجاب در می آورد و گاهی هم به پرخاشگری و خشونت به درون منزل با همسر خود می پردازد.

(۴) رعایت نکردن اراده و اختیار زن

بعضی از مردان از آزادی خدا داده، و اراده و اختیار خود چشم می پوشند، و در بست در اختیار زنان خود قرار می گیرند، و بعضی از زنان با تسخیر اراده و اختیار شوهر، حاکمیت بر زندگی را به دست می گیرند، و مرکب حیات را به هرکجا که خاطر خواه آنان است می رانند.

این نوع زندگی به طور اغلب به یک زندگی شیطنانی تبدیل شده، و موجی از گناه و معصیت، و اسراف و تبذیر و خواسته های نامشروع زندگی را پوشانده، و معنویت را فراری داده، و خانه و خانواده را از اصول الهی و انسانی منصرف

(۱) حسین بستان، خانواده در اسلام، ص ۱۶۱

(۲) حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۲

نموده است. بعضی از خانواده ها در این زمان دچار این بلای خانمان سوز هستند، به جای اینکه قیام زندگی بستگی به مرد داشته باشد، بستگی به زن دارد، به عوض اینکه شوهر باید شوهر زن باشد، زن شوهری برای شوهر خود است، و خدا نکند مرد از خواسته زن هر چند نامشروع و خلاف امر خدا اطاعت نکند، آن زمان است که جنگ و دعوا شروع می شود و آتشی خانمان سوز به دست زن روشن می گردد، و تا مرد تسلیم نشود، یا او را طلاق ندهد، آن آتش جهنمی فرو نمی نشیند.^۱ امام علی (علیه السلام) می فرمایند: "کل امرئ تدبره إمراه فهو ملعون؛ هر مردی اختیارش را به دست زن دهد، ملعون است"^۲ بنابراین می توان گفت به زنانی که زن اختیاردار شوهر شود دیگر جایی برای قیمومیت و سرپرستی نخواهد بود و مدیریت خانواده به دست زن خواهد بود و این خلاف طبیعت زنانه است و این همان نظرات فمینیست است که می خواهد از زن دفاع کند به اسم آزادی و برابری و زن را به اجتماع، برای انجام مقاصد خود بکشانند و مردان را ذلیل و خانه نشین نماید. در صورتی که خلقت زن همراه با عطوفت و مهربانی، گذشت و فداکاری توأم است و مدیریت یک زن در خانه با گاهی و تدبیر برای حفظ و استحکام و بقای خانواده باید به چشم آید نه به عنوان اقتداری که مرد را لگد کوب نماید. اگر این طور شود دیگر هدف ازدواج که رسیدن به تکامل است معنا نخواهد شد. با توجه به عوامل خشونت زنان علیه مردان باید مواظب باشیم تا خانواده های ما دچار این آسیب نشوند.

راهبردهای کاهش خشونت از دیدگاه اسلام:

(۱) تقویت ایمان و اخلاق: مهم ترین راهبرد کاهش خشونت زناشویی از دیدگاه اسلام، تقویت باورهای دینی و رشد اخلاقیات فردی است.^۳ در ارتباط با این راهبرد، علاوه بر توصیه های عام اخلاق به مردان و زنان در زندگی زناشویی خود می توان به موارد زیر اشاره کرد:

(الف) توصیه مردان به معاشرت نیک با زنان و زنان با مردان، "وَ عَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ"^۴ است.

(ب) توصیه مردان و زنان به رعایت پرهیزگاری و خودداری از بد زبانی و فحاشی.

(۱) حسین انصاری، نظام خانواده در اسلام، ص ۳۷۳

(۲) عاملی، وسائل، ج ۲۰، ص ۱۸۰

(۳) حسین بستان، خانواده در اسلام، ص ۱۹۶

(۴) سوره نساء، آیه ۱۹

ج) توصیه به مردان و زنان به بردباری در برابر بدخلقی همسران شان و گذشت از خطاهای آنان.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند: "جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَهُّلِ" ^۱ جهاد زن خوب شوهر داری کردن است. همچنین امام جعفر صادق (علیه السلام) بر حسب روایتی می فرماید: "جَهَادُ الْمَرْأَةِ تَبَصُّرُهُ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَدَى رِجْلِهَا وَغَيْرِهَا" ^۲ جهاد زن آن است که در برابر آزاری که از شوهر به وی می رسد و غیرت ورزی بی جا وی صبور و بردبار باشد.

نتیجه گیری:

با توجه به جایگاه زن در خانواده باید گفت، زنان مظهر عشق، علاقه، محبت، ایثار و مدار در زندگی با همسران خود هستند. اما گاهی در بعضی خانواده ها خشونت جای مهربانی و عطوفت همسری و مادری را می گیرد و کانون گرم و با صفای خانواده ها به جهنمی تبدیل می شود که جایی برای زندگی نمی ماند.

آثاری که از خشونت در زندگی به جای می ماند باعث از بین رفتن اعمال نیک و عبادت ها و زحمات زنان در خانواده می شود و باعث می شود زنان، از چشم همسران خود دور شوند و توقعات بی حد و نابجای زنان باعث سلب آرامش روحی و روانی همسران خواهد شد که در روایات این زنان بسیار نکوهش و عذاب الهی برآنان شمرده شده است. عواملی که باعث خشونت زنان در خانواده می شود عبارتند بودند از: تمکین نشدن نیاز عاطفی و جنسی زنان که این خود یکی از اهداف و کارکردهای ازدواج بوده، هم چنان که خداوند در قرآن کریم سوره روم به آن اشاره کرده که ما از جنس خودتان برای شما جفت آفریدیم تا در کنار هم به آرامش برسید و این آرامش در سایه مودت و رحمت خواهد بود، اما بیشترین تحقیقاتی که بر عوامل خشونت و جدایی زن و مرد و طلاق و فسادهای اخلاقی و اجتماعی شده بدست می آید که این همه به خاطر تمکین نشدن زنان و یا مردان است که این همه نابسامانی در خانواده و اجتماع بوجود می آورد و ناهنجاری هایی از قبیل بی حیا شدن و بی عفتی زنان و بدحجابی آنان به جا می گذارد.

(۱) حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۰۸

(۲) همان، ص ۱۱۱

همچنین از دیگر عوامل خشونت زنان می توان به ریاست طلبی زنان اشاره کرد که دیگر جایی برای اراده و اختیار مردان خود نمی گذراند و اینان می خواهند نظریات فمینیست را که جنگ دفاع از آزادی و حقوق زنان را به شکل های مختلف در جوامع مطرح می کنند را به کرسی بنشانند و پایه و اساس خانواده های اسلامی را از اهداف اصلی خود دور کرده و متزلزل نمایند.

منابع:

(۱) نهج البلاغه

(۲) مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ناشر: موسسه الوفاء، محل نشر: بیروت، سال نشر: ۱۴۰۴ ق

(۳) الکلینی، محمد بن یعقوب ، الکافی، تحقیق علی اکبر غناری، نشر: دارالکتب الاسلامیه، محل نشر: تهران، سال نشر: ۱۳۶۵ ش

(۴) الصدوق، محمد بن علی بابویه، من لایحضر الفقیه، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم ۱۴۱۳ ق

(۵) مستدرک الوسائل

(۶) عاملی، حر، وسائل الشیعه، نشر: مکتب الاسلامیه (بی تا)، محل نشر: تهران

(۷) علاسوند، فریبا ، زن در اسلام ج ۲، نشر: هاجر، نشر: هاجر، محل نشر: قم، سال نشر: ۱۳۹۲

(۸) اعزازی، شهلا ، زنان کتک خورده، نشر: سالی، محل نشر: تهران، سال نشر: ۱۳۸۰ ش

(۹) بستان (نجفی)، حسین، خانواده در اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم ۱۳۹۰ ش

بستان، حسین، اسلام و جامعه شناسی خانواده، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم ۱۳۸۳ ش (۱۰)

اسدالله ، بهشت جوانان، نشر: بسط اکبر، محل نشر: قم، سال نشر: ۱۳۷۹ ش ، محمدی نیا (۱۱)

سالاری فر، محمد رضا، خشونت خانگی علیه زنان، نشر: هاجر، محل نشر: قم ، سال نشر: ۱۳۵۹ ش (۱۲)

(۱۳) انصاریان، حسین ، نظام خانواده در اسلام، نشر: ام ابیها، محل نشر: قم، سال نشر: ۱۳۷۶